

بازخوانی مواضع سیاسی و شیوه مبارزاتی امام صادق(ع) در برابر بنی‌امیه در حفظ و حراست فرهنگ شیعی

عباس رهبری*، حسین خسروی**
سهراب اسلامی***، علی الهامی****

چکیده

این پژوهش باهدف بازخوانی مواضع سیاسی امام صادق(ع) در برابر بنی‌امیه در حفظ و حراست فرهنگ شیعی انجام شده است. پژوهش حاضر یک پژوهش تاریخی به شمار می‌رود به صورت توصیفی، تحلیلی بوده و موضوعات مربوط به آن از منابع معتبر دوران امام صادق(ع) چه تاریخی و چه حدیثی به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد، زمانی که حکومت بنی‌امیه در سراسر سقوط قرار گرفت فضای باز سیاسی ایجاد شد و در این مرحله فشار بر روی مخالفین مخصوصاً امام صادق(ع) کاهش یافت و امام(ع) از فرصت به‌دست‌آمده حداکثر استفاده از تحولات دوران جابجایی را بردند. این بررسی نشان می‌دهد، امام صادق(ع) به‌عنوان یکی از پیشگامان حرکت اسلامی و داعیه‌داران فرهنگ اصیل دینی دست به اقدامات سیاسی همانند، تقویت جایگاه امامت و ایجاد ولایت‌پذیری، ایجاد واقعیت‌نگری سیاسی، طاغوت ستیزی، زنده نگه‌داشتن حماسه عاشورا و تقیه در بین شیعیان زدند که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: امام صادق(ع)، بنی‌امیه، سیاست، فرهنگ، تمدن اسلامی.

* دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. abbasrahbari45@gmail.com

** استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران، (نویسنده مسئول). Hkhosravi88@gmail.com

*** استادیار الهیات و معارف اسلامی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. s-eslami@iau-arak.ac.ir

**** استادیار الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران. aelhami867@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۲۰

۱. مقدمه

حکومت امویان پس از کناره‌گیری امام حسن (ع) از خلافت به خاطر پذیرش صلح تحمیلی با معاویه بن ابی سفیان در سال ۴۱ هجری قمری تشکیل شد. این نظام سیاسی که از سال ۴۱ تا ۱۳۲ هجری قمری بر مسلمین تحمیل شد دارای دو سلسله بود، سلسله اول سفیانی که سه خلیفه از آن‌ها بود و از سال ۴۱ تا ۶۴ هجری قمری در رأس قدرت بودند و سلسله مروانی که یازده خلیفه از آن‌ها بود و از سال ۶۴ تا ۱۳۲ هجری قمری در رأس قدرت و ساختار حکومت اسلامی فرمانروایی کردند. در دوران آنان چارچوب حکومت مبتنی بر ساختار حکومتی کشورهای تصرف شده همچون ایران بود. برای کنترل بیشتر بر مخالفان و جابجایی اطلاعات معاویه دیوان برید را تشکیل داد (ابن طباطبای، ۱۳۶۸: ۱۱۲؛ ابو هلال عسکری، ۱۴۰۸: ۱۶۲)، ایرانیان و رومیان نیز دارای چنین ساختار اطلاع‌رسانی بودند (زیدان، ۱۳۶۹: ۱۸۵) این دیوان هرگونه اطلاعات رسمی و غیررسمی را گزارش می‌کرد و یک ساختار امنیتی قوی را ایجاد کرده بود (متز، ۱۳۶۴: ج ۱/ ۹۷) این دیوان تا روزهای پایانی حکومت امویان به کار خود ادامه داد و می‌توان به‌صراحت بیان کرد؛ با توجه به ساختار اطلاعاتی ایجادشده، امویان هرگونه حرکتی را رصد و در صورت ضرورت یا آن را تقویت و یا سرکوب می‌کردند.

امام صادق (ع) در سال ۱۱۴ هجری قمری پس از شهادت پدر بزرگوارشان امام باقر (ع) در چنین ساختار اطلاعاتی به امامت رسیدند. در اینجا بود که امام صادق (ع) اقدامات سیاسی، خود را با استفاده از عوامل ایجادشده زمانشان به‌خوبی مهندسی کردند. در مورد نقش سیاسی دوران امام صادق (ع) مطالب گوناگونی به رشته تحریر درآمده است و برخی از محققین درنهایت به این نتیجه رسیده‌اند که آشفتگی سیاسی در ساختار حکومت دوران آخر بنی‌امیه و ابتدای دوران بنی‌عباس باعث شد دست امام صادق (ع) جهت آموزش علوم مختلف باز شود به‌نحوی که شاگردان بسیاری در این دوران از وجود مبارکشان استفاده کرده‌اند.

حال سؤال این است که مواضع سیاسی امام صادق (ع) در برابر بنی‌امیه در حفظ و حراست فرهنگ و تمدن اسلامی چگونه بوده است؟ برای پاسخ به این سؤال باید وضعیت سیاسی، حکومت بنی‌امیه در زمان امام صادق (ع) موردبررسی و تحلیل قرار گیرد در این پژوهش به بررسی این وضعیت پرداخته می‌شود. البته باید اذعان نمود که به علت تضادهای زیادی که در منابع موجود وجود دارد بررسی دقیق در این خصوص امکان‌پذیر نیست و این یکی از محدودیت‌های پژوهشی است و همان‌طور که در منابع

قدیم بر اساس تفکر نویسندگان مطالب به دست ما رسیده است تحقیقات فعلی نیز همان رویه را دنبال کرده و نویسندگان سعی کرده‌اند بیشتر دیدگاه غالب را توضیح دهند و کمتر به ارائه نظریات جدید پرداخته‌شده است.

بررسی سیاسی دوران بنی‌امیه کمی سخت به نظر می‌رسد، با توجه به اینکه اکثر منابع این دوران پس از سقوط دولت اموی و در زمان عباسیان که دشمن سرسخت آنان بودند به رشته تحریر درآمده است و تحلیل از روی داده‌های موجود کمی دشوار و بعضاً امکان‌پذیر نیست و ما بیشتر در تحلیل‌های خود از قرینه‌ها استفاده می‌کنیم که ممکن است با واقعیت فاصله داشته باشد اما چاره‌ای جز این نیست مخصوصاً اگر بخواهیم وضعیت ائمه (ع) را در این دوران تحلیل کنیم و نقش آنان را در فرهنگ و تمدن اسلامی مورد بررسی قرار دهیم. در این بین می‌توانیم به برخی از کتاب‌های نگارش یافته که نویسندگان آن منابع دست اولی را بررسی کرده‌اند نام برد، مانند کتاب تشیع در تاریخ، نوشته سید احمد رضا خضری، تمدن در عصر امویان نوشته دکتر محمد سپهری، بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین نوشته ابوالقاسم اجتهادی، تاریخ و تمدن اسلام نوشته جرجی زیدان و ... که هرکدام از آن‌ها توانسته است مطالب مناسبی را در اختیار خواننده قرار دهد. در این پژوهش، با استفاده از منابع مختلف و تحلیل و توصیف داده‌های موجود، بازخوانی مواضع سیاسی امام صادق (ع) در برابر بنی‌امیه در حفظ و حراست فرهنگ و تمدن اسلامی بررسی می‌شود.

۲. شیوه پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش تاریخی، توصیفی-تحلیلی است و موضوعات مربوط به پژوهش از منابع معتبر در مورد امام صادق (ع) و دوران بنی‌امیه به‌دست آمده است، مطالب نگارش یافته چه تاریخی و چه حدیثی به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده است، تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده از طریق استدلال و استنتاج عقلی به‌دست آمده البته با توجه به موضوع مورد بحث از روش تحقیق تئوری سازی (نظریه‌پردازی) داده بنیاد نیز استفاده گردیده است (استراس و کوربین، ۱۳۸۷: ۱۵-۲۵). «این نوع روش تحقیق برای مطالعه درباره پدیده‌هایی به کار می‌رود که یا به‌خوبی شناخته شده نیستند و یا لازم است دید تازه‌ای به پدیده‌ای آشنا کسب گردد محقق در نظریه داده بنیاد، کار خود را با فرضیه‌های از پیش تعیین شده شروع نمی‌کند بلکه با ظهور مفاهیم، سؤالات تحقیق و شیوه کار تعدیل می‌شود. (آشنا و قضاوی زاده، ۱۳۹۱: ج ۲ / ۱-۲)»

۳. وضعیت اجتماعی، سیاسی در دوران بنی‌امیه

پس از فتح سرزمین‌های جدید و توقف فتوحات در برخی مناطق، مسلمانان با دنیای خارج از جهان اسلام روابط گسترده‌ای برقرار کرده بودند، این ارتباط باعث ورود اندیشه‌های فلسفی، کلامی و علمی سایر ملل به جامعه اسلامی شد (ابن ندیم، بی‌تا: ج ۱/۳۰۳) و ترجمه برخی از کتب نیز در ایجاد سؤال برای تازه مسلمین نقش‌آفرینی نمود. این آشنایی تأثیر زیادی بر ساختار جامعه اسلامی به وجود آورد که برخی از آن‌ها مثبت و برخی منفی بود از آثار منفی که در جامعه اسلامی ایجاد شد می‌توان نفوذ افکار غیر اسلامی و پدید آمدن شبهه در اعتقادات مسلمین را نام برد. تفکرات جدید کلامی و عقیدتی باعث ایجاد احزاب و گروه‌های مختلف مذهبی همانند: مرجئه، خوارج، دهریه، غلاه، زیدیه، اسماعیلیه و ... گردید.

این گروه‌ها با تبلیغات خود که به‌دوراز مراقبت‌های حکومتی نیز نبود افرادی را به سمت خود جلب نموده و جهت رشد تفکراتشان اقدام به تأسیس مراکز آموزشی می‌کردند و تشکیلاتی را به وجود آوردند و در این مکان‌ها جلسات بحث داشتند و با گروه‌های دیگر به مناظره می‌پرداختند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۷/ باب ۱۱/ ۳۳۴-۳۹۵). به‌علاوه حکومت بنی‌امیه نیاز داشت گروه‌هایی به سخنان پاسخ دهند و در این راستا می‌توان به‌صراحت گفت که آنان مجبور شدند محیط را برای گروه‌های مخالف خود کمی باز کنند تا به شبهات پاسخ داده شود و در همین راستا می‌توان آزادی عمل را در فعالیت فرهنگی امام باقر (ع) و امام صادق (ع) دید، البته برخی از محققین عوامل سیاسی و اجتماعی را از عوامل آزادی عمل ائمه (ع) در این دوران می‌دانند که این خود جای تأمل دارد زیرا بنی‌امیه در کنار مشکلات سیاسی پیش رو اجازه یک مشکل جدید سیاسی از طرف علوی‌ها را قطعاً نمی‌دادند، بنابراین اگر نظریه آنان را کامل رد نکنیم می‌توان گفت وجود تفکرات جدید مذهبی و کلامی باعث گردید دست ائمه را در پاسخگویی به آنان بازتر شود و یا حداقل فشارهای وارده به اهل‌بیت کمتر گردد امام باقر (ع) اقدامات اولیه را برای پاسخگویی به این شبهات با تشکیل کلاس‌های خود فراهم نموده و امام صادق (ع) موج اندیشه‌های بیگانه را که به اساس دین مبین اسلام حمله کرده و دیدگاه اسلام را به مخاطره انداخته بودند را مشاهده می‌کرد (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۳۹: ج ۹/ ۵۴) مکتب جعفری را گسترش دادند و زمینه‌ها و شرایط لازم را با تعلیم و تربیت افراد علاقه‌مند به فرهنگ اصیل اسلامی جهت مقابله با جریان‌های فکری انحرافی ایجاد نمودند.

امویان مخصوصاً پس از به قدرت رسیدن فرزندان مروان دچار اختلاف و کشمکش‌های داخلی شدید بودند و برخی مواقع علیه هم‌دست به شورش می‌زدند و عامل اصلی آن را می‌توان انتخاب دو ولیعهد دانست (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ج ۴/ ۵۱۴)، هنگامی که ولیعهد اول به قدرت می‌رسید فرد دیگری را به جای ولیعهد دوم، به جانشینی انتخاب می‌کرد و این عامل باعث نزاع بین مدعیان و سران حکومت می‌شد.

به‌عنوان مثال یزید بن ولید که به حکومت رسید، در زمان مرگش پسرش ابراهیم جانشین او شد که مروان بن محمد، علیه او قیام کرده وی را از خلافت عزل و خود جانشین او شد (نویری، ۱۳۶۴: ج ۶/ ۳۹۴) پس از به قدرت رسیدن مروان بن محمد، سلیمان بن هشام علیه او قیام کرد که از مروان شکست خورد (نویری، ۱۳۶۴: ج ۶/ ۴۰۲) در کنار درگیری برای به خلافت رسیدن بین قبایل نیز اختلاف وجود داشت که می‌بینیم قیسیان با عبدالملک مروان درگیر شدند، کمی بعد با هشام پسر عبدالملک همراهی کردند و به مروان بن محمد کمک کردند و در مقابل قبایل یمنی به عباسیان تمایل نشان دادند (زیدان، ۱۳۶۹: ۶۹۶).

از نظر سیاسی حکومت بنی‌امیه با یکسری مخالفت‌ها و عصیان مواجه بود مردم با توجه به موارد بیان‌شده آمادگی لازم جهت همسو شده با هر نوع مخالفت با ساختار سیاسی بنی‌امیه را داشتند بنابراین می‌توان در این دوره شورش‌های مختلفی را که گروهی با کمک مردم به راه انداخته بودند در تاریخ ۹۲ ساله این حکومت رصد کرد این شورش‌ها هرکدام با انگیزه‌های مختلف اسلامی و یا غیر اسلامی صورت می‌گرفت اما همه آن‌ها در یک مورد دارای دیدگاه مشترک بودند و آن برقراری آزادی و عدالت اجتماعی بود که از طرف بنی‌امیه سرکوب گردید مانند حرکت آزادی خواهانه حارث بن سریج در سال ۱۱۶ هجری قمری در خراسان (طبری، ۱۳۸۷: ج ۶/ ۳-۲)، شورش مردم اندلس علیه عقبه بن حجاج (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ج ۱۴/ ۹؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸: ج ۲/ ۲۴۲)، قیام عکاشه خوارجی علیه حنظله والی شهر قابس (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ج ۵/ ۱۹۳-۱۹۴؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸: ج ۶/ ۱۴۵؛ ابن خیاط، ۱۴۱۵: ۲۳۱؛ یعقوبی، ۱۸۹۲: ج ۲/ ۳۱۸) که به صورت پراکنده صورت می‌گرفت.

۳-۱. برخی از قیام‌های سیاسی

- در سال ۱۲۱ هجری قمری زید بن علی بن حسین در کوفه قیام کرد (ابن سعد، بی تا: ج ۵/ ۲۴۰؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۳۹: ۱۳۰).

- یحیی پسر زید پس از کشته شدن پدر به خراسان رفت و در آنجا قیام کرد که وی نیز کشته شد (شهرستانی، ۱۳۲۱: ۱۳۷-۱۴۰).
- در سال ۱۰۰ هجری قمری شوذب یشگری قیام کرد که در نهایت توسط سعید بن عمر سرکوب شد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ج ۴/ج ۳۱۷-۳۳۳).
- در سال ۱۲۶ هجری قمری خوارج اباضیه در یمن خروج کردند و مدت سه ماه بر مدینه مسلط شدند (مسعودی، ۱۳۶۵: ۳۰۸).
- در سال ۱۲۷، ضحاک بن قیس خارجی قیام کرد، وی به کوفه وارد شد و مردم موصل نیز به او پیوستند اما در جنگ کشته شد، جانشین وی شبیان حروی نیز از جنگ فرار کرد و این قیام شکست خورد (نویری، ۱۳۶۴: ۴۰۶؛ یعقوبی، ۱۸۹۲: ج ۲/۳۳۸-۳۳۹).
- در سال ۱۲۸ هجری طالب الحق و ابوحمزه خارجی قیام کردند که در نهایت از سپاه مروان شکست خورد (یعقوبی، ۱۸۹۲: ج ۲/۳۳۰-۳۴۰).

۲-۳. مشکلات خارجی

بنی‌امیه علاوه بر مشکلات داخلی که از آن رنج می‌برد با مشکلات خارجی نیز دست‌وپنجه نرم می‌کرد و درگیر جنگ‌های خارجی زیادی شده بودند که می‌توانست قدرت حکومت را کاهش دهد و رسیدگی به امور داخلی را با مشکل مواجه کند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- ۱-۲-۳) درگیری با ترکان خزری در سال ۱۱۴ هجری قمری (نویری، ۱۳۶۴: ۳۳۲).
 - ۲-۲-۳) ورود به جنگ در سال‌های ۱۱۵، ۱۱۸ و ۱۱۹ هجری قمری با رومیان.
 - ۳-۲-۳) در سال ۱۲۱ هجری قمری در ماورالنهر در نزدیکی تاشکند درگیر چنگ شدند (نویری، ۱۳۶۴: ۳۳۳-۳۳۴).
 - ۴-۲-۳) جنگ در آفریقا، اندلس و سایر نقاط نیز آن‌ها را به شدت درگیر کرده بود.
- این جنگ‌ها و درگیری‌ها توان زیادی از بنی‌امیه گرفته بود و مجبور بودند فضای سیاسی جامعه را تا حدودی آزاد بگذارند که حداقل از فشارهای داخلی کم کرده و بتوانند به درگیری‌های خارجی بپردازند البته آنان با توجه به مشکلات داخلی برخی مواقع با دشمن خارجی صلح می‌کردند تا بتوانند بر مشکلات داخلی خود تا حدودی فائق آیند.

۳-۳. اقدامات سیاسی بنی‌امیه در برابر فرهنگ و تمدن اسلامی

با توجه به مسائل بیان‌شده عواملی که بنی‌امیه برای انحراف افکار عمومی و ضدیت با فرهنگ و تمدن اسلامی بکار برده‌اند به صورت موردی بیان می‌کنیم.

بازخوانی مواضع سیاسی و شیوه مبارزاتی امام صادق(ع) در برابر ... ۱۰۳

۳-۳-۱) ایجاد انحرافات فکری در مردم (حدیث سازی)

بنی‌امیه درصدد بود که پایه‌های اعتقادی مردم را تضعیف کند و برای ادامه بقای غیرقانونی خود اقدام حدیث سازی و جعل حدیث از زبان پیامبر (ص) نمودند.

۳-۳-۲) فرقه سازی

امویان برای ادامه حیات خود اقدام به حمایت از گروه‌های کلامی همچون مرجئه نمودند و بحث مهم این گروه این بود آیا کسی که مرتکب گناه کبیره می‌شود در آخرت معذب خواهد شد یا مخلد در آتش نیست؟ و سؤالات مشابه دیگر و بیشتر محققان از همسویی مرجئه با بنی‌امیه اتفاق نظر دارند(گیپ، ۱۳۶۷: ۱۲۰).

۳-۳-۳) ایجاد حکومت موروئی (ولایتعهدی)

این امر بدعتی بود که معاویه ایجاد کرد و حدود سیزده قرن دوام آورد و همین امر باعث گردید که مسلمین قرن‌ها تحت ظلم و ستم قرار داشته باشند.

۳-۳-۴) بدعت گرفتن بازور و زر برخلاف خلفای پیشین

بدعت‌های بازور و زر در زمان معاویه باعث گردید آزاد مردانی همچون امام حسین (ع) علیه آن بپا خیزند و جان خود را در راه اسلام راستین فدا کنند.

۴. اقدامات سیاسی امام صادق (ع) در دوران اموی

مسائل سیاسی با توجه به پیچیدگی آن نیازمند افرادی هوشمند، برنامه‌ریز با مدیریتی حساب شده می‌خواهد و افرادی باید وارد این حیطه شوند که بتوانند مجموعه وابسته و مورد هدف خود را به‌خوبی مهندسی نمایند و این کار نیازمند برنامه‌ریزی کلان دارد. در برخی موارد اقدامات صورت گرفته زود پاسخ می‌دهد و برخی مواقع ممکن است در حیات فرد بازخورد خود را نشان نداده و چند دهه و یا چند قرن بعد اقدامات وی به بار بنشیند. امام صادق (ع) برای رسیدن به یک آرمان سیاسی مناسب و پیوسته بر اساس دستور دین مبین اسلام اقداماتی را انجام دادند که به برخی از آنها و نتایج حاصل اشاره می‌کنیم.

۴-۱. تبیین امامت در جامعه اسلامی

جانشینی رسول مکرم اسلام یکی از ابعاد مهم تاریخ اسلام است. عدم شناخت امام بر حق باعث انحراف، بدعت و مشکلات ساختاری در جامعه نوپای اسلامی شد و این

انحراف چنان در تاروپود حکومت نو پای اسلام ورود پیدا کرد که آثار آن بعد از حدود پانزده قرن همچنان نمود بارزی دارد.

از مهم‌ترین اقدامات سیاسی امام صادق (ع) تقویت جایگاه امامت و ایجاد ولایت‌پذیری در بین شیعیان زمان خود بود که بنا به برخی مسائل دچار تفرقه شده و بعضاً افراد دیگری را به جای امام بر حق انتخاب کرده بودند همانند کیسانه و زیدیه. لذا امام صادق (ع) همانند سایر معصومین قبل از خود درصدد بودند تا جایگاه امامت و ولایت را تبیین و مشخص کنند.

در زمان امام صادق (ع)، امامت و خلافت از عرف خود خارج و رنگ پادشاهی به خود گرفته بود. هم‌وغم امام صادق (ع) این بود که یک دیدگاه و تفسیر روشنی از امامت به جامعه ارائه داده و جایگاه امام را برای مردم به‌خوبی مشخص کند تا آن‌ها بتوانند به‌راحتی امام عصر خود را بشناسند. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «هرکسی که شبی را به صبح برساند و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است» (نعمانی، ۱۳۹۹: ۱۲۷).

امام صادق (ع) بارها دیدگاه امامت را برای شیعیان بیان کرده و انتظار داشتند آنان امام خود را شناخته و خود را با ولایت اهل‌بیت پیوند بزنند و در همه حال با امام خود باشند، در این مورد می‌فرمایند: «خداوند شیعیان ما را رحمت کند که از زیادی سرشت ما آفریده و با آب ولایت ما عجین شده اند. آنان به خاطر غم و اندوه ما غمناک می‌شوند و به خاطر شادی ما خوشحال می‌شوند» (حائری، ۱۳۸۵: ۵).

امام صادق (ع) برای مشخص کردن وضعیت و نوع نگرش شیعیان، آنان را به سه گروه تقسیم می‌کند، امام (ع) می‌فرماید: «شیعیان ما سه گروه هستند، گروهی به‌وسیله ما خود را زینت می‌دهند و ما را مایه سرافرازی و آبروی خویش قرار می‌دهند و گروهی ما را وسیله درآمد زندگی دنیایی خود قرار می‌دهند و گروه دیگر که از ما و پیروان راه ما هستند، با امنیت ما آرامش می‌یابند و با ترس ما ترسان هستند. بذره‌های کاشته شده اسرار را پخش نمی‌کنند و در برابر جفاکاران خودنمایی ندارند. اگر پنهان باشند کسی سراغ آنان را نمی‌گیرد و اگر آشکار باشند کسی به آنان اعتنا نمی‌کند. اینان چراغ‌های هدایت (شیعیان واقعی) هستند» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷: ج ۴/ ۳۵۶).

با توجه به مشخص شدن شیعیان واقعی از طرف امام صادق (ع)، انتظار امام (ع) از آنان این است که به‌غیر از اهل‌بیت (ع) با گروه دیگری نباشند. امام صادق (ع) در این مورد

می فرمایند؛ «دروغ گوست آن کسی که خود را شیعه ما بداند، ولی به ریسمانی غیر از ما چنگ زند(مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲/ ۹۸)».

بنا بر احادیث صادره از امام صادق (ع) مسلمانان باید امام زمان خود را بشناسند و به غیر از او به فرد و یا گروه دیگری وابسته نباشند و سراپا گوش به فرمان امام خود باشند.

۴-۲. مبارزه با غالیان

از دیگر عملکردهای سیاسی امام صادق (ع) مبارزه با گروه غالیان بود این گروه در مورد اهل بیت (ع) غلو می کردند و در برخی از موارد آنان را در حد الوهیت بالا می بردند، «در عصر امام صادق (ع) غلو و غلات، رشد چشم گیری پیدا کرد. این مسئله، هم موجب زیر سؤال بردن جای گاه اهل بیت می گردید و هم مردم را در تشخیص شیعیان واقعی از غیر آن دچار مشکل می کرد، زیرا عقاید غلات با معارف اهل بیت هم سو نبود، رفتار آنان نیز با رفتار شیعیان واقعی، متضاد بود. از این رو امام صادق (ع) در کنار فعالیت های دیگر، با غلات و غلوگرایی مبارزه نمود، زیرا هرگونه ارتباط و مراوده با غلات، اثرات سوء اعتقادی، اجتماعی و سیاسی در پی داشت. به همین دلیل و برای حفظ شیعه اصیل و نهادینه کردن آن لازم بود امام صادق (ع) با آن ها مبارزه آشکاری را شروع کند و افکار و نظریات باطلشان را از ساحت شیعه دور کند، چراکه در غیر این صورت اثری از شیعه واقعی باقی نمی ماند و این مذهب بازیچه دست بوالهوسانی می شد که با تأثر از فرهنگ های مسیحی و یهودی، چهره ای دیگر از شیعه ارائه می دادند(جعفریان، ۱۳۶۹: ۲۵۷)» و به حکومت وقت این امکان را می داد که نسبت به شیعیان شدت عمل بیشتری نشان داده و باعث آسیب های جدی به آنان می شد. امام صادق (ع) در خصوص مبارزه با این گروه اقداماتی را انجام دادند همانند:

۴-۲-۲) بیان توطئه های غلات(مجلسی، بی تا: ج ۲۵/ ۲۶۶)

۴-۲-۲) انزجار از غلات و لعن آن ها(مجلسی، بی تا: ج ۲۵/ ۲۹۷)

۴-۲-۳) نهی از معاشرت با غالیان و عدم معاشرت با آنان(صفری فروشانی، ۱۳۷۸: ۱۶۵)

۴-۲-۴) دور کردن جوانان از غالیان جهت جلوگیری از فساد جوانان(صفری فروشانی،

۱۳۷۸: ۱۶۵؛ مجلسی، بی تا: ج ۲۵/ ۲۶۵/ حدیث ۶)

۴-۲-۵) فرمان قتل غلات(کشی، ۱۴۰۴: ۳۲۵) غلو همیشه بیان کننده حب ائمه (ع) نبود

بلکه در بسیاری از موارد انگیزه تخریب ائمه (ع) را دنبال می کردند و مطالبی را جعل

و به ائمه (ع) نسبت می‌دادند که این گروه منحرف را غالیان نفوذی می‌توان نامید که در زمان امام صادق (ع) به اوج خود رسید. امام صادق (ع) در این باره می‌فرمایند: «ما اهل بیت راست‌گویانی هستیم که همواره دروغ‌گویانی بر ما دروغ می‌بندند تا با دروغ خود، صداقت و راست‌گویی ما را نزد مردم از بین ببرند، خداوند آنان را لعنت کند (کشی، ۱۴۰۴: ۵۵)».

۴-۳. ایجاد واقعیت‌نگری سیاسی

یکی دیگر از عملکردهای سیاسی امام صادق (ع) ایجاد واقعیت‌گرایی و دور کردن جامعه از خرافه، بدعت و بیهودگی است. امام صادق (ع) بر حفظ آموزه‌های الهی بسیار مراقب بودند و بر آن‌ها تأکید می‌کردند. گناه یکی از اموری است که انسان را از راه راست منحرف می‌کند و فرد منحرف‌شده برای توجیه گناه به این انحراف روی آورده است. قرآن نیز برای جلوگیری از انحراف و ایجاد واقعیت‌گرایی بیان می‌کند، «این راه مستقیم من است، پس از آن پیروی کنید و از راه‌های پراکنده پیروی نکنید؛ زیرا شمارا از طریق حق دور می‌سازد (قرآن کریم، -: سوره انعام/ آیه ۱۵۳)». رسول‌الله (ص) و ائمه اطهار (ع) با هرگونه افراط و تفریط که باعث انحراف شود به شدت مخالف بودند و این موضوع را بارها به یاران خود تذکر داده‌اند.

حتی امام صادق (ع) از اقدام برخی از علمای زمان خود جلوگیری می‌کردند، «روزی ابوحنیفه عصبایی در دست امام صادق (ع) دید و از ایشان سؤال کرد این عصا چیست، امام (ع) فرمودند از یادگارهای پیامبر است؛ و وقتی ابوحنیفه می‌خواست آن را ببوسد از این کار جلوگیری کردند (مجلسی، بی‌تا: ج ۱۰ / ۲۲۲)».

۴-۴. طاغوت‌ستیزی

از سیاست‌های دیگر امام صادق (ع) برخورد با ستمگران و نامیدن دولت اموی به عنوان طاغوت بود امام صادق (ع) از هر فرصتی برای نفی و مبارزه با این پدیده زشت استفاده می‌کردند و نوع برخورد ایشان در ابعاد فرهنگی و سیاسی صورت می‌گرفت، امام صادق (ع) قیام‌های مخالفان حکومت جور را که بر اساس دین صورت می‌گرفت تأیید و طرفداران این قیام‌ها را مورد احترام قرار می‌دادند. امام صادق (ع) در این مورد می‌فرمایند: «هرکسی که درباره موضوعی چه حق و چه باطل نزد بنی‌امیه و بنی‌عباس برود، مانند کسی است که برای داوری نزد طاغوت و ستمگر رفته است و آنچه

بازخوانی مواضع سیاسی و شیوه مبارزاتی امام صادق(ع) در برابر ... ۱۰۷

طاغوت حکم کند، اگرچه به حق باشد، از منظر آموزه‌های وحیانی مردود است(ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، ۱۳۸۸: ج ۱/ ۶۷)».

۴-۵. زنده نگه داشتن حماسه عاشورا

می‌توان گفت در تاریخ چند هزار ساله بشر هیچ حماسه‌ای سیاسی‌تر و قدرتمندتر از حماسه امام حسین (ع) نبود، حماسه‌ای که پر از شور و نشاط و آزادی‌خواهی و جان دادن در راه معشوق، ائمه (ع) و مخصوصاً امام صادق (ع) در زنده نگه داشتن این حماسه الهی تأکید بسیار داشتند هر چند که در دوران استبداد بنی‌امیه و بنی‌عباس محدودیت‌های شدیدی جهت توسعه و فرهنگ عاشورایی ایجاد کرده بودند. در خصوص عاشورا امام صادق (ع) می‌فرمایند؛ «و اما روز عاشورا روزی است که در آن حسین (ع) میان یارانش کشته بر زمین افتاد و یاران او نیز اطراف وی بر خاک افتادند و عریان بودند(ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، ۱۳۸۸: ج ۴/ ۱۷۴)» و «روز شهادت امام حسین (ع) سوزناک‌ترین روزهاست(شیخ صدوق، بی‌تا: ج ۱/ ۲۲۵)» لذا پاسداشت این روز برای شیعیان امری مهم و حیاتی به شمار می‌رود تا هرگز زیر بار ظلم و ستم نروند و مظلومیت سرور جوانان بهشت را فراموش نکنند امام صادق (ع) در این مورد فرمودند؛ «علی بن الحسین (ع) به یاد عاشورا بیست سال گریست و هرگز طعامی نخورد مگر اینکه گریه می‌کرد(مجلسی، بی‌تا: ج ۴۶/ ۱۰۸)» و «هر ناله و گریه‌ای مکروه است مگر ناله و گریه بر حسین(مجلسی، بی‌تا: ج ۴۵/ ۳۱۳)». امام صادق (ع) برای اینکه نهضت عاشورا همواره در یاد شیعیان زنده بماند به امر زیارت قبر امام حسین (ع) تأکید داشتند و در این مورد می‌فرمایند؛ «کسی که با شناخت حق امام حسین (ع) به زیارت او برود نامش در دفتر فرشتگان مقرب نوشته می‌شود(شیخ صدوق، ۱۳۸۹: ۱۶۴)». با توجه به تأکید ائمه اطهار (ع)، امروزه عاشورای حسینی سمبل ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی در جهان است.

۴-۶. تشکیلات گسترده پنهانی

از مهم‌ترین اقدامات سیاسی امام صادق (ع) ایجاد تشکیلات سری بود که امام (ع) برای جذب، هماهنگی یاران خود و آماده شدن برای به دست گرفتن حکومت انجام دادند این تشکیلات ظاهراً از سازمان وکالت مستقل و جدا بود زیرا در مورد سازمان وکالت اطلاعات خوبی در اختیار داریم ولی در مورد تشکیلات جدید به علت سری بودن

اطلاعات ضعیفی دیده می‌شود و دلیل آن را می‌توان بدین گونه بیان کرد که نه امام صادق (ع) و نه دیگر اصحاب نزدیک به این تشکیلات صراحتاً سخنی در مورد آن بیان نکرده‌اند، برای اینکه این کار

۴-۱) ذاتاً نیاز به مخفی‌کاری دارد

۴-۲) یاران امام (ع) به تقیه پایبندی شدید داشتند

در هر حال وجود ارتباط مالی و فکری در بین شیعیان سراسر جهان اسلام و بودن محدثان فراوان در آن دوران نشان‌دهنده وسعت عمل کار امام صادق (ع) بود که می‌تواند شاهی باشد بر تشکیلات پیچیده‌ای که امام صادق (ع) آن را به‌خوبی پایه‌ریزی کرده بودند؛ و این تشکیلات ایجاد نشده بود مگر برای قیام علنی «نقشه امام صادق (ع) این بود که یک قیام علنی به راه بیندازد و حکومت بنی امیه را واژگون کند و از خراسان، ری، اصفهان، عراق، حجاز، مصر و همه مناطق مسلمان‌نشین که در همه این مناطق، شبکه حزبی امام صادق (ع) گسترده بود، به مدینه، نیرو بیاید و امام به شام لشکرکشی کند، حکومت شام را سرنگون سازد و خودش پرچم خلافت را بلند کند و به مدینه بیاید و حکومت پیغمبر (ص) را به راه بیندازد (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۲۹۱-۲۹۶)». «در این راستا می‌بینیم امام صادق (ع) شخصی را به خراسان فرستاد که مردم را به ولایت‌پذیری از امام دعوت کرد. جمعی پاسخ مثبت دادند و اطاعت کردند و گروهی سرباز زدند و منکر شدند و دسته‌ای به عنوان احتیاط و پرهیز از فتنه! دست نگه داشتند؛ آنگاه به نمایندگی از طرف هر گروه، یک نفر به دیدار امام صادق (ع) رفت (مجلسی، بی‌تا: ج ۴۷/ ۷۲)». نماینده امام (ع) اهل کوفه بود و مأموریت وی در خراسان، این امر نشان‌دهنده وسعت حوزه فعالیت سیاسی امام (ع) را نشان می‌دهد (پیشوایی، ۱۳۷۵: ۳۷۸). وجود چنین تشکیلاتی از ابهام‌آمیزترین دوران زندگی پرفرازونشیب امام صادق (ع) است.

فلسفه وجودی تشکیلات وکالت و سری برای اجرای شریعت بوده و امام صادق (ع)، چاره و راهی جز ایجاد چنین تشکیلاتی نداشتند. تحقق و اجرای شریعت لازمه‌ای دارد و آن ایجاد ساختاری منسجم است. لذا از اولین امام شیعیان حضرت علی (ع) تا امام حسن عسکری (ع) همه فعالیت‌های اهل بیت (ع) من جمله فعالیت‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و جهادی آن‌ها برای ایجاد یک حکومت الهی بود. چون تا حکومت ایجاد نشود امام نمی‌تواند دین را کامل در جامعه بر پا کند. بدون ایجاد حکومت نمی‌شود توحید را کامل اقامه کرد. البته باید متذکر شویم تشکیلات هدف غایی آن‌ها

نبوده است اما برای امام (ع) و یارانش تنها وسیله اجرای شریعت خداست بنابراین **رسالت امام (ع)** یکی تبیین احکام الهی و دیگری اجرای شریعت است. با بررسی سازمان وکالت و مسائل مختلف سیاسی در زمان امام صادق (ع) می‌توان دلیل تشکیل این سازمان سری را بیان نمود، اما فلسفه تشکیلات سری موازی با سازمان وکالت که دارای یک سازمان منظم بود به چه دلیل انجام گرفته است این امر نیاز به یک پژوهش دقیق تاریخی دارد ولی اجمالاً بامطالعه مسائل تاریخی و سیاسی دوران امام صادق (ع) می‌توان موارد ذیل را عامل ایجاد این تشکیلات سری در نظر گرفت.

الف) لو رفتن تعدادی از نیروهای مؤثر سازمان وکالت که تحت مراقب شدید قرار گرفته بودند.

ب) سازمان وکالت در چند بعد فعالیت داشت و سازمان جدید امام صادق (ع) به صورت خاص و سیاسی و به صورت تک بعدی عمل می‌کرد.

ج) مشخص شدن نشانه‌های ضعف در ساختار حکومت بنی‌امیه که نیازمند یک سازمان جدید برای به دست گرفتن قدرت بود.

د) تفرقه بین علویان که مشترک در یک مسیر برای ساقط کردن بنی‌امیه فعالیت داشتند و هماهنگ شدن برخی از آنان با عباسیان که می‌توانست سایر اعضاء سازمان وکالت را لو داده کار را برای امام صادق (ع) و سایر شیعیان سخت‌تر کند.

ه) نیاز به نفوذ در ساختار حکومتی که در زمان بنی‌امیه صورت گرفت و هم در زمان بنی‌عباس ادامه پیدا کرد.

و) نیاز اطلاعاتی از گروه‌های مخالف بنی‌امیه که باعث شد امام صادق (ع) با توجه به اشراف اطلاعاتی دقیق، از پذیرش خلافت که توسط نماینده ابومسلم به ایشان پیشنهاد شده بود خودداری کنند.

ز) جمع‌آوری نیرو برای قیام مسلحانه بدون به خطر افتادن سایر تشکیلات شیعی، به نحوی که پس از به قدرت رسیدن بنی‌عباس اصل ساختار شیعی دچار آسیب نگردد و بنی‌امیه نیز قبل از سقوط نتوانست شیعیان را از ساختار سیاسی خارج کند.

۷-۴. همکاری نکردن شیعیان با حکومت جور

امام صادق (ع) در زمان‌های مختلف بنا بر نوع سیاست حاکم دستورات مقتضی را صادر می‌کردند که یکی از این دستورات عدم همکاری شیعیان و یارانشان با حکومت جور بود و در برخی از روایات خدمت کردن به این حکومت‌ها حرام اعلام شد. امام صادق

(ع) در این مورد می‌فرمایند: «کسب حرام اقسام زیادی دارد، از جمله آن‌ها درآمد حاصل از همکاری با حاکمان ظالم، کارمزد قاضیان (این نظام‌ها) و مزدهای زناکاران و بهای شراب و نبیذ مستی آور و ربا که با شاهد ثابت شود. ای عمار اما رشوه گرفتن در احکام، کفر به خدای بزرگ و پیامبر اوست (شیخ صدوق، ۱۴۰۳: ج ۱/ ۳۳۰)» و همچنین فرموده‌اند: «کسی که دوستدار زنده‌بودن ستمگران باشد، دوست دارد خداوند متعال نافرمانی شود (حر عاملی، ۱۳۷۳: ج ۱۷/ ۱۸۶)»

۴-۸. تقیه

یکی از روش‌های مهم امام صادق (ع) در مبارزه سیاسی انجام تقیه بود، این شیوه به معنی خودداری از به دام افتادن در خطر معنی می‌دهد. تقیه از مهم‌ترین عواملی است که به شیعیان کمک کرد تا خود را از مهلکه‌های بزرگ و خون‌بار حفظ کنند. ائمه (ع) و شیعیان بنا به دستور امام در طول تاریخ حیات خود تقیه می‌کردند و برای انجام آن زمان و مکان اهمیت داشت که می‌توان یک تقسیم‌بندی ابتدایی برای آن در نظر گرفت.

۱. تقیه سیاسی (اکراهیه): تقیه سیاسی وقتی صورت می‌گرفت که با یک حکومت جور مواجه می‌شدند.

۲. تقیه اجتماعی (مداراتیه): این نوع تقیه در هنگام برخورد با عامه در هنگام معاشرت، شرکت در اجتماعات و ... انجام می‌گرفت.

۳. تقیه فقهی (خوفیه): این تقیه در زمانی صورت می‌گرفت که معصوم (ع) حکمی را مخفی و یا خلاف آن را بیان کند.

۴. تقیه کلامی (کتمانیه): این نوع تقیه در مسائل مربوط به مبحث ولایت، امامت و مسائل سری صورت می‌گرفت.

عواملی باعث شد که امام صادق دستور تقیه را بدهند که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. پراکندگی اصحاب امام صادق (ع).

۲. حفظ جان اصحاب خود.

۴. شکاک بودن بعضی از اصحاب.

بنابراین می‌بینیم امام صادق (ع) تأکید بسیاری به تقیه داشتند و بیشترین احادیث تقیه از امام صادق (ع) است (مجلسی، بی‌تا: ج ۷۵/ ۳۹۳-۴۴۳)، دلایلی را می‌توان برای رشد این روایت‌ها بیان نمود از جمله:

۱. طولانی بودن دوران امامت ایشان
 ۲. توفیق فراوان آن حضرت در نشر معارف و احکام اسلام
 ۳. از سوی دیگر، اختلاف مذهب شاگردان ایشان (داشتن حدود چهار هزار شاگرد و راوی).
 ۴. شدت اختلاط اقلیت شیعیان با اکثریت سنی (شیخ مفید، ۱۳۸۰: ج ۲/ ۱۷۹).
- با توجه به موارد بیان شده تقیه یکی از مهم‌ترین اقدامات سیاسی امام صادق (ع) بود که توانستند جان شیعیان را نجات دهند.

۴-۹) مشخص کردن بی‌اطلاعی خلفا وقت از علم فقه

شناخت امام صادق (ع) و پدر بزرگوارشان امام باقر (ع) از دستگاه خلافت اموی این فرصت را برای این بزرگواران ایجاد نمود تا با تبیین خلافت واقعی و بیان این مسئله که خلافت، فقط یک کار سیاسی نیست و خلیفه علاوه بر اینکه یک رهبر سیاسی است رهبریت مذهبی یک جامعه دینی هم هست و خلیفه باید انسانی آگاه به مسائل دینی هم باشد. با توجه به اینکه خلفایی در رأس قدرت بودند که از آگاهی‌های دینی بی‌بهره بوده و این امر باعث نقص در ساختار حکومتی شده بود خلفای وقت برای رفع این عیب بزرگ حکومت، اقدام به سازمان‌دهی فقها و علمای درباری نمودند تا بتوانند این ضعف را تا حد زیادی پوشش دهند و در کنار این مسئله فقه آنان را در جامعه ترویج و رسمی اعلام کردند؛ بنابراین «فقه جعفری در برابر فقه فقیهان رسمی روزگار امام صادق (ع) فقط یک اختلاف عقیده دینی ساده نبود؛ بلکه درعین حال، دو مضمون متعارضانه را نیز با خود حمل می‌کرد: نخست و مهم‌تر، اثبات بی‌نصیبی دستگاه حکومت از آگاهی دینی و ناتوانی آن از اداره امور فکری مردم و دیگر، مشخص ساختن موارد تحریف در فقه رسمی که ناشی از مصلحت‌اندیشی فقها در بیان احکام فقهی و ملاحظه‌کاری آنان در برابر تحکم و خواست قدرت‌های حاکم است. امام صادق (ع) با گستردن بساط علمی و بیان فقه و معارف اسلامی و تفسیر قرآن به شیوه‌ای غیر شیوه عالمان وابسته به حکومت، عملاً به معارضه با آن دستگاه برخاسته بود. آن حضرت بدین وسیله، تمام تشکیلات مذهبی و فقه‌های رسمی را که یک ضلع مهم از حکومت خلفا به شمار می‌آمد، تخطئه می‌کرد و دستگاه حکومت را از بُعد مذهبی‌اش تهی می‌ساخت (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۳۰۴)» امام صادق (ع) بابیان اینکه خلفای وقت بهره‌ای از دانش دین ندارند بنابراین حق حکومت را از آنان سلب می‌کردند و در این مورد امام (ع) فرموده‌اند:

«ماکسانی هستیم که خداوند، فرمان بری از آنان را فرض و لازم ساخته است و شما از کسی تبعیت می‌کنید که مردم به علت جهالت او نزد خدا معذور نیستند (محمد بن یعقوب کلینی، ۱۳۸۸: ۳۵۶)».

با توجه به مسائل مطرح شده نباید این انتظار را داشته باشیم که فعالیت سیاسی امام (ع) باید منحصر در مبارزه مستقیم و مسلحانه باشد و اینکه امام صادق (ع) علیه حکومت وقت برنخاست و مبارزه مستقیم با امویان و عباسیان انجام نگرفته بگوییم امام (ع) کار سیاسی را کنار گذاشته بودند بلکه امام (ع) از طریق فعالیت‌های فرهنگی بزرگ‌ترین مبارزه ریشه‌ای را با حکام وقت نمود.

۵. نتیجه‌گیری

در پایان می‌توان بیان نمود که:

۱-۵) این تحقیق به منظور بررسی بازخوانی مواضع سیاسی امام صادق (ع) در برابر بنی امیه در حفظ و حراست فرهنگ شیعی نگارش یافته اما با توجه به اینکه تغییرات در زمان بنی امیه گسترده بود، این بحث فقط بعد سیاست امام صادق (ع) در مسائل فرهنگی و تمدنی مورد بررسی قرار گرفته و اسناد و شواهد موجود را مورد بازخوانی قرار داده است. محور فرهنگ و تمدن از موضوعات بسیار مهم در جامعه است و هر جامعه بدون فرهنگ و تمدن اساساً قابل بحث نخواهد بود امام صادق (ع) با توجه به جایگاه ویژه‌ای که داشتند و به عنوان یکی از بزرگان علمی علی‌رغم نداشتن مسئولیت در حکومت نقش مهم تاریخی خود را ایفاء کرده و بانفوذ معنوی خود و با روشی منحصربه‌فرد در بعد سیاسی و تصمیمات صحیح و دقیق در تغییرات فرهنگی و تمدنی بسیار تأثیرگذار بودند به نحوی که می‌توان گفت امام صادق (ع) با ادامه کار پدر بزرگوارشان امام باقر (ع) به خوبی توانستند ادای دین نموده و فرهنگ و تمدن اسلامی را احیاء کنند.

اما چرا محور سیاست برگزیده شده؟ به این دلیل است که ساختار حکومتی و سیاست به عنوان عامل اصلی در برنامه‌ریزی و اجرای فرهنگ و تمدن جایگاه ویژه‌ای دارد و همان‌گونه که امام باقر (ع) از این موضوع غفلت نکردند امام صادق (ع) نیز این موضوع را به عنوان یک ایدئولوژیست فرهنگی در نظر داشتند که هر حکومتی که در جامعه حاکم است می‌تواند زمینه تغییر هویت جامعه را فراهم نموده و یا در نگهداری، رشد و اعتلای آن اقدام کند.

علاوه بر این در جامعه، امام صادق (ع) را بیشتر یک فقیه و عالم فقهی و در برخی موارد با یک چهره علمی می شناسند و همواره در کنار نام امام باقر (ع) از ایشان به عنوان احیاء کننده فقه نام برده می شود و حتی شیعه را نیز جعفری می نامند و شاید این تصور پیش بیاید که امام صادق (ع) تمام هم و غم خود را در احیاء فقهی قرارداد و سایر مسائل را در حاشیه گذاشته است ما در این پژوهش اقدامات سیاسی و مؤثر امام صادق (ع) را مورد بازخوانی قرار داده ایم تا این مسئله یک الگوی مناسب برای سیاستمداران نیز قرار گیرد.

۵-۲) همان گونه که نخبگان یک جامعه ایدئولوژی خاصی را تبیین می کنند، امام صادق (ع) به عنوان یک نخبه، یکی از ایدئولوژیست های زمان خود بود که هم به عنوان ابداع کننده ایدئولوژی و هم به عنوان یک احیاگر ارزش های اسلامی شناخته می شوند. امام صادق (ع) همانند پدرشان امام باقر (ع) در برابر تغییرات منفی فرهنگ و تمدن مقاومت می کردند و سعی و اهتمام زیادی در جلوگیری از انحرافات داشتند و در برابر گروه های انحرافی همانند مرجئه، جبریه و ... که اجتهاد غلط داشتند و یا از قیاس، استحسان و ... استفاده می کردند ایستاده و سعی در هدایت گمراهان داشتند و نقش خود را به عنوان یک ایدئولوژیست به خوبی ایفا کردند.

امام صادق (ع) در عرصه فرهنگ اسلامی روش جدیدی را ارائه دادند که باعث تغییرات شگرفی در فرهنگ و تمدن اسلامی شد که می توان از دانشگاه ایشان که از پدرشان به یادگار مانده بود و تربیت شاگردان بیشمار آن نام برد و در آموزش فقهی و تفسیری قرآن نیز اقدامات بسیار مهم و اثربخشی را انجام دادند، همچنین تبیین جایگاه ویژه امام برای مسلمین مخصوصاً شیعیان از مواردی است که در این پژوهش به عنوان اقدامات سیاسی امام صادق (ع) از آن نام برده شده است که این اقدامات تا زمان ما همچنان دارای نمود بسیاری است.

در این پژوهش روشن گردید که اگر یکی از نخبگان دارای قدرت سیاسی و یا فاقد حمایت حکومتی باشد با بهره گیری از بعد معنوی و نفوذ خود می تواند منشأ تغییرات مهم در فرهنگ و تمدن باشد.

۵-۳) با توجه به اینکه امام صادق (ع) در عرصه فرهنگ و تمدن اسلامی نقش مهمی را در جهان اسلام داشتند می توان گفت که بیشتر مردم فقط چهره فقهی و دینی امام (ع) را می شناسند و کمتر نقش سیاسی ایشان مورد بررسی قرار گرفته و حتی از آن غفلت نیز شده است با اینکه واقعیت این است که امام صادق و پدر بزرگوارشان در

عرصه سیاست یک الگوی مناسبی را تعریف کرده که می‌تواند کمک کنند سیاستمداران امروز قرار گیرد.

امام صادق (ع) در امور سیاسی به‌خوبی نشان داده‌اند که اصل سیاست حفاظت از کیان اسلام و ساختار فرهنگی تمدنی آن است که کسی نتواند به آن آسیبی برساند و اگر در این امر خللی ایجاد گردد نه تنها قابل قبول نیست بلکه این امر مبغوض نیز است و برای حفظ و کیان اسلامی باید کوشش نمود و در برابر انحرافات فکری و ایدئولوژی ایستادگی کرد که جامعه دچار نقصان فرهنگی نگردد.

در آخر اینکه امام صادق (ع) نشان دادند که یک عالم و نخبه دینی می‌تواند با الگوسازی، در سیاست دخالت کرده و باعث تغییرات زیادی در جامعه گردد حتی اگر حاکم و یا یکی از اعضای حکومتی نباشد ولی بانفوذ معنوی بالا و زیاد خود می‌تواند یک الگوی مناسب را در اختیار مردم و مخصوصاً اصحابشان قرار دهند و این جمع را از سرگردانی و اقدامات منفعلانه دور نماید.

کتاب‌نامه

- آشنا، حسام‌الدین؛ و قضاوی‌زاده، مهدی. (۱۳۹۱). «مکتب علمی امام جعفر صادق (ع) به سوی یک مدل داده بنیاد». در مجموعه مقالات همایش علمی مکتب امام صادق (ع). همایش علمی مکتب امام صادق (ع)، ج ۱. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ابن‌اثیر، عزالدین علی. (۱۳۷۱). *الکامل فی التاریخ*. ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی. تهران، ایران: موسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۰۸). *تاریخ ابن‌خلدون*. تحقیق خلیل شحاده. چاپ دوم. بیروت، لبنان: دارالفکر.
- ابن‌خیاط، ابو‌عمر خلیفه. (۱۴۱۵). *تاریخ خلیفه*. تحقیق فواز. چاپ اول. بیروت: دار الکتاب العلمیه.
- ابن‌سعد، محمد. (بی تا ۰). *الطبقات الکبری*. تحقیق عبدالقادر عطا. بیروت: دار الکتاب العلمیه.
- ابن‌طباطبا، محمدبن علی (ابن طقطقی). (۱۳۶۸). *تاریخ فخری*. ترجمه وحید گلپایگانی. چاپ سوم. ایران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن‌ندیم، محمد بن اسحاق. (بی تا). *الفهرست لابن‌الندیم*. بیروت - لبنان: دار المعرفه.
- ابو هلال عسکری، حسن بن عبدالله بن سهل. (۱۴۰۸). *الأوائل*. تحقیق محمد السید وکیل. مصر: دارالبشر، طنطا.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین. (۱۳۳۹). *مقاتل الطالبین*. ترجمه جواد فاضل، تحقیق احمد صقر. بیروت: دارالمعرفه.

بازخوانی مواضع سیاسی و شیوه مبارزاتی امام صادق(ع) در برابر ... ۱۱۵

استراس، آنسلم؛ و کورین، جولیت. (۱۳۸۷). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های مبانی، رویه‌ها و شیوه‌ها*. ترجمه بیوک محمدی. چاپ دوم. تهران - ایران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

پیشوایی، مهدی. (۱۳۷۵). *سیره پیشوایان*. چاپ اول. قم: موسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق (ع).
جعفریان، رسول. (۱۳۶۹). *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (علیهم السلام)*. چاپ چاپ اول. تهران، ایران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

حائری، محمد مهدی. (۱۳۸۵). *شجره طوبی*. نجف، عراق: منشورات المكتبة الحیدریه و مطبعاتها.
حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۷۳). *وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*. تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی. تهران - ایران: اسلامیه.

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۶). *انسان ۲۵۰ ساله*. ویرایش دوم. چاپ شصت و ششم. قم: انتشارات موسسه ایمان جهادی.

زیدان، جرجی. (۱۳۶۹). *تاریخ تمدن اسلام*. ترجمه علی جواهر کلام. چاپ ششم. تهران، ایران: امیر کبیر.

شهرستانی، عبدالکریم. (۱۳۲۱). *الملل و النحل*. تحقیق محمد بن فتح الله بدران. قم - ایران: منشورات شریف رضی.

شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۳۸۹). *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*. ترجمه محسن کاظمی. قم: میم.

شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۰۳). *الخصال*. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: جامعه المدرسین.

شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (بی تا). *عیون أخبار الرضا علیه السلام*. تصحیح مهدی لاجوردی زاده. تهران: جهان.

شیخ مفید، محمد بن محمد نعمان. (۱۳۸۰). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. ترجمه محمد باقر ساعدی، تصحیح محمد باقر بهبودی. تهران، ایران: اسلامیه.

صفری فروشانی، نعمت الله. (۱۳۷۸). *غالیان*. مشهد مقدس - ایران: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۳۸۷). *تاریخ طبری*. تحقیق ابوالفضل ابراهیم محمد. چاپ دوم. بیروت: دارالتراث.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۷). *المحجّه البیضاء*. ج ۱-۸. قم: جماعه المدرسین به قم، موسسه النشر الاسلامی.

قرآن کریم. (۰).

کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۴). *اختیار معرفه الرجال*. محمد بن حسن طوسی، تصحیح مهدی رجایی، تحقیق محمدباقر بن محمد میرداماد. قم - ایران: موسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۳۸۸). *اصول الکافی*. قم - ایران: موسسه دارالحدیث العلمیه والثقافیه، مرکز للطباعه والنشر.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸). *ترجمه اصول کافی*. ترجمه لطیف راشدی و سعید راشدی. قم: اجود.

گیپ، همیلتن. (۱۳۶۷). *اسلام بررسی تاریخی*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: علمی فرهنگی. متز، آدام. (۱۳۶۴). *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراکزلو. تهران، ایران: امیر کبیر.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (بی تا). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)*. تصحیح محمدباقر محمودی، ابراهیم میانجی، محمدتقی مصباح یزدی، محمدکاظم میاموی، محمدباقر بهبودی، محمد مهدی خراسان، ... یحیی عابدی زنجانی، تحقیق عبدالزهراء علوی. بیروت - لبنان: دار احیاء التراث العربی.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (عليهم السلام)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۶۵). *التنبیه و الاشراف*. چاپ دوم. ایران: انتشارات علمی و فرهنگی.

نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۹). *الغیبه*. تصحیح علی اکبر غفاری. تهران - ایران: مکتبه الصدوق.

نویری، شهاب الدین احمد. (۱۳۶۴). *نهایه الارب*. ترجمه محمود مهدوی. تهران، ایران: امیر کبیر.

یعقوبی، احمد. (۱۹۸۲). *تاریخ الیعقوبی*. بیروت: موسسه الاعلمی